

ویژه نامه محرم ۱۴۳۸ هجری قمری

کربلا یعنی چه؟

«کربلا» یکی از شهرهای کشور عراق است. در مورد لغت «کربلا» و ریشه آن، بی‌حسب‌های مفصلی صورت گرفته است. طبق بعضی از نقل‌ها، این نام از «کرب» و «ال» ترکیب شده است. یعنی حرم الله، یا مقدس الله، «کرب» در لغت سامی به معنای «قرب=نزدیکی در عربی است. اگر «ال» هم به معنای «الله» باشد، کربلا به معنای محلی‌است که نزد خدا، مقدس و مقرب، یا «حرم خدا» است،

البته بعد از شهادت امام حسین (علیه السلام)، از کربلا با نام‌های دیگری یاد شده است: «مَشْهُدُ الْحُسَيْنِ»، «مَدِينَةُ الْحُسَيْنِ»، «مَوْضِعُ الْبَلَاءِ»، «مَحَلُّ الْوَفَاءِ»،

وضعیت جغرافیایی کربلا

کربلا در جنوب غربی رود فرات قرار دارد و فاصله اش تا بغداد ۱۰۵ کیلومتر است. در زمان یکی از خلفا، مسلمان‌ها عراق را فتح کردند و ابتدا «کربلا» را مرکز سپاه قرار دادند، اما به علت هوای بد و نامناسب آن، کوفه، اردوگاه سپاه شد،

بعد از آن که مسلمان‌ها، منطقه کربلا را خالی کردند در این زمین‌ها کسی زندگی نکرد و متروک بود. تا آن که در سال ۳۶ یا ۳۷ هجری، هنگامی که حضرت علی (علیه السلام) با لشکریانش به طرف صفین حرکت می‌کرد، یک شب در زمین کربلا توقف کرد. در آن شب حضرت علی (علیه السلام) به برخی از حوادث آینده اشاره فرمود و برای یاران آن حضرت روشن شد که این سرزمین در انتظار حادثه بسیار سختی است،

در اطراف کربلا، «قبیله بنی‌اسد» زندگی می‌کردند، اما خود کربلا جای زندگی نکردن و ماندن نبود، تا آن که امام حسین (علیه السلام) با خاندان و اصحابش، در روز دهم ماه محرم وارد این سرزمین خشک و سوزان شدند،

وضعیت جغرافیایی کربلا، بعد از شهادت امام حسین (علیه السلام) تغییر کرد و کربلا به شهری تاریخی تبدیل شد. از آن به بعد، کربلا مورد توجه جهانیان - به خصوص شیعیان - قرار گرفت و کعبه آرزوها شد.

گزیده ای از فضائل و معجزات امام حسین علیه السلام

۱- امام باقر علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در خانه ام سلمه بود و به او سفارش نمود که کسی نزد آن حضرت نیاید حضرت حسین در آنوقت خردسال بود وارد شد. ام سلمه نتوانست جلو او را بگیرد ولی دنبالش آمد. دید حسین علیه السلام روی سینه آن حضرت است و آن جناب گریه می کند و چیزی در دست دارد و آن را می بوسد

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: ای ام سلمه! این جبرئیل است که به من خبر می دهد این حسین کشته می شود و این خاکی است که روی آن به شهادت می رسد آن را نزد خود نگهدار چون تبدیل به خون شد بدان حبیبم کشته شده است.

ام سلمه عرض کرد: یا رسول الله از خداوند بخواه که از او دفع نماید

پیامبر فرمود: از خداوند درخواست نمودم ولی حق تعالی به من وحی فرمود که برای او درجه و مقامی است که هیچ کس بدان نمی رسد و او شیعیانی دارد که شفاعت می کنند و شفاعت آنان پذیرفته می شود.

و به راستی مهدی علیه السلام از فرزندان اوست خوشا به حال کسی که از اولیای حسین علیه السلام باشد به خدا سوگند شیعیانش در روز قیامت رستگار و کامیابند.

۲- ابی ذر گوید: دیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم حسن و حسین علیهما السلام را می بوسید و می فرمود: هر که حسن و حسین علیهما السلام و ذریه ایشان را از روی اخلاص دوست داشته باشد زبانه آتش به صورت او نرسد هر چند دگناهانش به عدد ریگ های بیابان باشد مگر گناهی داشته باشد که او را از ایمان خارج نماید.

۳- اعرابی به مدینه آمد و پرسید : کریم ترین مردم در این شهر کیست؟ حضرت امام حسین علیه السلام را معرفی کردند به مسجد رفت آن حضرت را دید که مشغول نماز هستند چند شعر در مدح آن جناب سرود.

امام حسین علیه السلام به قنبر فرمود: آیا از مال حجاز چیزی مانده است؟ قنبر عرض کرد: بلی چهارهزار دینار طلا. فرمود: آن را بیاور که او سزاوارتر است (پس آن حضرت به خانه رفت) و ردای مبارک خود را برداشت و چهار هزار دینار را در آن پیچید و از شکاف در بیرون کرد و آن زرها را به او داد و چند شعر عذرخواهی سرود.

اعرابی زر را گرفت و گریست ان حضرت فرمودک گویا عطای ما را کم شمردی؟

عرض کرد نه! لیکن می گریم که دستی به این سخاوت چگونه در میان خاک پنهان خواهد شد.

۴- چون آن حضرت در کربلا شهید گردید بر پشت مبارک اثر پینه مشاهده شد سبب آن را از حضرت زین العابدین علیه السلام پرسیدند فرمود: از بس که کیسه های طعام بر پشت مبارک خود می گذاشت و به خانه بیوه زنان و یتیمان و مساکین می برد.

۵- امام صادق علیه السلام از پدراناش چنین روایت می کند: روزی امام حسین علیه السلام به عیادت عبدالله بن شداد رفت که تب شدیدی داشت چون حضرت داخل شد تب او قطع شد. عبدالله عرض کرد: راضی شدم به آنچه خداوند به حق شما داده است تب از شما می گریزد.

آن حضرت فرمودند: خداوند هیچ چیز را خلق نکرده مگر آنکه به او دستور داده که از ما اطاعت نماید. ناگاه صدایی شنیدیم ولی کسی را ندیدیم که می گفت: لبیک

حضرت فرمودند: آیا امیرالمومنین علیه السلام به تو امر نکردند که نزدیک نشوی مگر به دشمن ما، یا کسی که گنهگار باشد تا کفار گناه او باشی چرا نزدیک این مؤمن آمده ای؟

۶- در بعضی از کتب معتبره از طاووس یمانی، و در احادیث معتبره از شیعه و سنی روایت شده است: که چون آن حضرت در شب تار در مکانی می نشست از سفیدی و نوری که از پیشانی و پایین گردن آن حضرت ساطع بود مردم آن حضرت را به آن نور می شناختند زیرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم این دو جا را بسیار می بوسید.

و نیز شیعه و سنی در احادیث معتبره روایت کرده اند: بسیار اتفاق می افتاد که حضرت فاطمه سلام الله علیها در خواب بود و حضرت حسین علیه السلام در گهواره می گریست جبرئیل ان حضرت را می جنبانید و با او سخن می گفت و او را ساکت می گردانید.

۷- در کشف الغمه روایت شده که انس گوید: روزی در خدمت حضرت حسین علیه السلام بودم که کنیز آن حضرت گلی را به دست آن جناب داد حضرت فرمود: تو را آزاد کردم گفتم: یک گل برای تو می آورد او را آزاد می کنی! آن حضرت فرمود: خداوند می فرماید:

«و اذا حییتهم بتحیه فحیوا بأحسن منها أو ردوها؛ هر گاه به شما تحیت گویند شما به تحیتی نیکوتر از آن پاسخ دهید یا همان را رد کنید»

تحیت نیکوتر من این بود که او را آزاد کنم.

۸- اهل تسنن روایت کرده اند که روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم از خانه عایشه بیرون آمد چون به در خانه فاطمه سلام الله علیها رسید صدای گریه حضرت حسین علیه السلام را شنید فرمود: ای فاطمه! مگذار حسین بگرید، که گریه او مرا به درد می آورد.

۹- اهل تسنن به طرق متعدده و نیز ابن شهر آشوب از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده اند که روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: هر که می خواهد به محبوب ترین اهل زمین پیش اهل آسمان نظر کند به حضرت حسین علیه السلام بنگرد.

۱۰- منهل گوید: سوگند به خدا مشاهده کردم که سر مبارک حضرت حسین علیه السلام بالای نیزه به زبانی گویا سوره کعف را قرائت می کرد تا به این آیه رسید:

«ام حسب ان اصحاب الکهف و الرقیم کانوا من آیاتنا عجا»

آیا گمان کردی که اصحاب کهف و رقیم از آیات شگفت ما بوده اند؟

مردی گفت: به خدا سوگند! ای فرزند رسول خد سر مبارک تو تعجبش بیشتر است.

آثار و نتایج نهضت عاشورا

شهادت مظلومانه سید الشهداء و یارانش در کربلا، تاثیر بیدارگر و حرکت آفرین داشت و خونی تازه در رگهای جامعه اسلامی دواند و جو نامطلوب را شکست و امتدادهای آن حماسه، در طول تاریخ، جاودانه ماند. حتی در همان سفر اسارت اهل بیت نیز تاثیرات سیاسی این حادثه در اندیشه های مردم آشکار شد. گروهی از اسرا را که به شام می بردند، چون به تکریت رسیدند، مسیحیان آنجا در کلیساها جمع شدند و به نشان اندوه بر کشته شدن حسین «ع»، ناقوس نواختند و نگذاشتند آن سربازان وارد آنجا شوند. به شهر «لینا» نیز رسیدند. مردم آنجا همگی گرد آمدند و بر حسین و دودمانش سلام و درود فرستادند و امویان را لعن کردند و سربازان را از آنجا بیرون کردند. چون خبر یافتند که مردم «جهینه» هم جمع شدند تا با سربازان بجنگند وارد آن نشدند. به قلعه «کفر طاب» رفتند، به آنجا نیز راهشان ندادند. به حمس که وارد شدند، مردم تظاهرات کردند و شعار دادند: «اکفرا بعدایمان و ضللا بعد هدی؟» و با آنان درگیر شدند و تعدادی را کشتند. برخی از تاثیرات حماسه عاشورا از این قرار است:

۱- قطع نفوذ دینی بنی امیه بر افکار مردم

۲- احساس گناه و شرمساری در جامعه، بخاطر یاری نکردن حق و کوتاهی در ادای تکلیف

۳- فرو ریختن ترسها و رعبها از اقدام و قیام بر ضد ستم

۴- رسوایی یزیدیان و حزب حاکم اموی

۵- بیداری روح مبارزه در مردم

۶- تقویت و رشد انگیزه‌های مبارزاتی انقلابیون

۷- پدید آمدن مکتب جدید اخلاقی و انسانی (ارزشهای نوین عاشورایی و حسینی)

۸- پدید آمدن انقلابهای متعدد با الهام از حماسه کربلا

۹- الهام بخشی عاشورا به همه نهضت‌های رهایی بخش و حرکت‌های انقلابی تاریخ

۱۰- تبدیل شدن «کربلا» به دانشگاه عشق و ایمان و جهاد و شهادت، برای نسل‌های انقلابی شیعه

۱۱- به وجود آمدن پایگاه نیرومند و عمیق و گسترده تبلیغی و سازندگی در طول تاریخ، بر محور شخصیت و شهادت سید الشهداء «علیه السلام»

از نهضت‌های شیعی پس از عاشورا، می‌توان «انقلاب توابین»، «انقلاب مدینه»، «قیام مختار»، «قیام زید»، و... حرکت‌های دیگر را نام برد.

تاثیر حماسه عاشورا را در انقلاب‌های بزرگی که در طول تاریخ، بر ضد ستم انجام گرفته، چه در عراق و ایران و چه در کشورهای دیگر، نباید از یاد برد. «فرهنگ شهادت» و انگیزه جهاد و جانبازی که در انقلاب اسلامی ایران و هشت سال دفاع مقدس در جبهه‌ها جلوه‌گر بود، گواهر روشن‌تاثیر گذاری کربلا در قرن‌ها پس از آن حماسه مقدس است. یکی از نویسندگان محقق، نتایج نهضت کربلا را عبارت می‌داند از:

۱- پیروزی مساله اسلام و حفظ آن از نابودی

۲- هزیمت امویان از عرصه فکری مسلمین

۳- شناخت اهل بیت بعنوان نمونه‌های پیشوایی امت

۴- تمرکز شیعه از بعد اعتقادی بر محور امامت

۵- وحدت صفوف شیعه در جبهه مبارزه

۶- ایجاد حس اجتماعی در مردم

۷- شکوفایی موهبت‌های ادبی و پدید آمدن ادبیات عاشورایی

۸- منابر وعظ و ارشاد، به عنوان وسیله آگاهانیدن مردم

۹- تداوم انقلاب بصورت زمینه سازی نهضت‌های پس از عاشورا حادثه کربلا، گشاینده جبهه اعتراض علیه حکومت امویان و سپس عباسیان شد، چه به صورت فردی که روح‌های بزرگ را به عصیان و افشاگری واداشت، و چه به شکل مبارزه‌های گروهی و قیام‌های عمومی در شهری خاص یا منطقه‌ای وسیع،

خون او تفسیر این اسرار کرد ملت خوابیده را بیدار کرد

اسارت آزادیبخش

اکنون غروب آن روز تیره تر از شام است و همه چیز به حال عادی پیازگشته است. چکاچک شمشیرها، شیهه اسبان، همه‌همه جنگاوران، رجزخوانی قهرمانان، یطنین طبل و شیپور... همگی از صدا افتاده است. ویوای جغدی هم نمی‌آید به گوش ویو باد غروب، از غبارهای این دشت، بر پیکر شهیدان می‌پاشد تا مگر پرده‌ای هر چند نازک بر این جنایت و فاجعه بکشد، ولی‌یتابنده اختر را چه می‌توان کرد؟ خورشید را می‌گوییم که چهره بر این خونه اسوده و باچهره‌ای برافروخته و خون‌رنگ، بر کوه‌های باختر ایستاده و افشاگری می‌کند، تمامی یخون‌های ریخته شده را جمع کرده و از افق مغرب به آسمان می‌پاشد و سرتاسر افق را حنای خون می‌بندد.

اینک، مغرب، آینه‌ای شده تمام قد، که تمامی این فاجعه‌های یهولناک را و این قساوت‌های زشت را به طور روشن نشان می‌دهد و دشمن هر چه دست‌های سیاهش را بر افق بالا می‌برد تا سرخی افق را بیوشاند ولی افق خونین، بیدارتر است.

هریچه بر پرده‌های سیاه دشمن افزوده می‌شود، افق، دامن خون آلودش را بالاتر می‌پیرد... بالاتر، تا هر چه بیشتر این تجاوزی را که به ناموس انسانیت شده است روشن‌یوآفتابی کند و بگوید: حتی زنان و کودکان هم از تعرض مسلحانه نظام حاکم، بمصون نمانده‌اند و یزید، تمام مقررات اسلامی جهاد را زیر پا گذاشته و اسلام و یسرنوشت مسلمانان را به بازیچه گرفته است، حسین کشته می‌شود ولی ییار سنگینی راکه بر دوش دارد به پایان می‌برد. مسؤ ولیتی بزرگ و فداکاری تاریخی می‌یابست انجام گیرد و یک گام مثبت و تحول آفرین در این نقطه عطف تاریخی در این یتنگنای زمانی باریکتر از مو، بود که برداشته شود... این مسؤ ولیت انجام می‌گیرد و آن‌گام برداشته می‌شود.

اسیران آزادیبخش، سفر پیام‌گزاری خود در دشت و هامون آغاز می‌کنند،

زینب که قافله سالار اسیران است، یهمراه دیگر کاروانیان، در حالی که چتر کبود آسمان بالای سرشان است و سینه گسترده‌ی دشت خون گرفته کربلا به زیر پایشان، رسالت خود را آغاز می‌کند و او ییامبری خون‌های کربلاست. می‌رود تا یخلقها را بیاگاهاند که خود جای سخن دارد، مفصل و فراوان اینان، در بامداد این روز، یهمه چیز داشتند

ولی اینک در شامگاه ، هیچ ندارند، نه ! بلکه همه چیز را اکنون دارند، آینده از آن اینانست ، و حق همیشه پیروز است و مگر خورشید می میرد؟

سلام بر حسین ! روزی که زاده شد

و... روزی که شهید شد

و... روزی که زنده برانگیخته خواهد شد...

روابط عمومی زبانسرای ایران زمین شهرستان جم

مهر ۱۴۳۸ هجری قمری